



مجله حقوقی



دوره ۸ - شماره ۲۳ - بهار ۱۴۰۴

- تحلیلی بر مقایسه تغییرات اساسی در مقررات یو.سی.پی ۵۰۰ و یو.سی.پی ۶۰۰
همایون مافی، سودابه اسدیان
عدالت قضایی در قوانین کیفری اسلام
ابوالفتح خالقی، مریم خلیل دخت
تأثیر بیماری‌های فراگیر بر گسترش تروریسم
محسن مولائی فرد، هادی مسعودی
بزه دیدگی زنان در خانواده: راهکارها و مبانیت حمایت کیفری از آنان
سیدعلیرضا میرکمالی، زهرا محمودی، امید زینالی
چالش‌ها و راهبردهای اجرایی شدن حجاب و عفاف
محمود حبیبی تیار، ترگس زندی علی آبادی
نقد آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
کوثر نظری، ابراهیم باقوتی
مطالعه تطبیقی اصل حسن‌نیت در حقوق ایران و فرانسه بر پایه اصلاحات ۲۰۱۶
اکبر عظیمی
واکاوی شناسایی حق بر محیط زیست در پرتو اسناد بین المللی و رویه های قضایی
مونا دوانلو
تأملی در روند هوش مصنوعی در پیشگیری از جرم
علی نجفی، سیدمحسن موسوی
نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان استان سیستان و بلوچستان: بررسی عوامل اجتماعی و سیاسی
ابوالحسن جنتی، زینب هاشمی باغی
نقد و تحلیل تطبیقی ماهیت قراردادهای هوشمند در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا
امل سلیمانی، مریم اسکندری
تحلیل تطبیقی جرم تصرف عدوانی اموال منقول در حقوق ایران و انگلستان: مبانیت، ارکان و ضمانت های اجرایی
امیرمحمد ماهرخ، سعید بابایی
صلح در حقوق ایران: تحلیل تطبیقی با دیگر راه های حل و فصل اختلافات
محمدباقر پارساپور، اعظم لطفی نیستانک
آثار حقوقی و پیامدهای استناد به قاعده ضرورت در حقوق بین‌الملل
سیدمحمدپیرام بطحایی
تحلیل جرایم مرتبط با زمین خواری در حقوق کیفری ایران و فرانسه
وحید کیومرثی
بررسی خسارت ناشی از خسارت در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رحیملی طهرانی
مقایسه تحریم‌های یکجانبه و تحریم‌های شورای امنیت: تحلیل حقوقی و پیامدهای فرامرزی
سیدفواد علوی، علی تقی‌زاده، محمدجواد قصابی‌فرد
جرایم و حوادث ناشی از کار در حقوق ایران و فرانسه
سیماسوداگر
جایگاه حقوقی کاربرد سلاح های شیمیایی از سوی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین الملل
سارا فرزادی مهر، مجتبی نظیف، قاسم مقدمیان، اسماعیل عموری
سیاست جنایی مجازات های جایگزین‌های حبس در جرایم نبروهای مسلح ایالات متحده آمریکا
امیرحسن ابوالحسنی، سیدحبیبی علوی، الهام زارع
قرارداد حمل و نقل کالا در نظام حقوقی ایران و فرانسه
مهشید سادات طبایی، فهیمه طاهرلو
استقرار قوانین هوش مصنوعی در مبارزه با پولشویی و بازیابی دارایی‌ها
علی موید احمدی، امیررضا محمودی
مالکیت مریخ در پرتو معاهده فضای ماورای جو ۱۹۶۷ میلادی: تحلیل حقوقی تعارضات و راهکارها
مهدی قره داغی
تحلیل سیاست کیفری قانونگذار ایرانی در قبال جرایم تروریستی: چالش‌ها و راه کارها
مصطفی رضایی
تعارض اصول حاکم بر اراضی شهری با حقوق مالکانه در نظام حقوقی ایران
سیدمحمدباقر حقایقی، فرزین یزدان پناه، حمیدرضا کناری زاده
بررسی فقهی-حقوقی عدم لزوم ترتیب اثر به شرط حق طلاق زوجه در عقدنامه های نکاح
وحید پارسایی دادرس
جایگاه تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران
اصلان علیزاده، اسماعیل حسینی
اجرای آرای دیوان داوری ورزش در سطح ملی
سپیده احمدیان فرد
چبران خسارت ضرر شخصی در شبه جرم و مصادیق آن در قوانین کیفری: بررسی حقوقی و قضایی
میثم حسینی زاده
بررسی فقهی و حقوقی لجاج مصنوعی در ایران
فاطمه معزی، هانیه اکبری، هادی روستا



A Comparative Analysis of Unilateral Sanctions and Security Council Sanctions: Legal Analysis and Extraterritorial Implications

Sayed Foad Alavi

Master's student in Islamic Studies and Law, Imam Sadeq University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Ali Taghi Zadeh

Master in Islamic Studies and Political Science, Imam Sadeq University, Tehran, Iran

Mohammad Javad Ghasabi Fard

PhD student in Political Science, Imam Sadegh University, Tehran, Iran

مقایسه تحریم‌های یک‌جانبه و تحریم‌های شورای امنیت: تحلیل حقوقی و پیامدهای فرامرزی

سیدفواد علوی

دانشجوی کارشناسی‌ارشد معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

sfoadalavi@gmail.com
<http://orcid.org/0009-0005-4916-8837>

علی تقی‌زاده

کارشناس‌ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

taghizadeh.psi@gmail.com
<http://orcid.org/0009-0009-2483-154x>

محمدجواد قصابی‌فرد

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران
mj.ghasabifard@isu.ac.ir
<http://orcid.org/0009-0002-3351-6228>

Abstract

Unilateral sanctions and other coercive measures in international law are among the complex and controversial issues in intergovernmental relations, having profound effects on human rights, global security, and trade relations. Given the increasing prevalence of these sanctions, it is essential to analyze and assess their legal dimensions. The main question of this study is to what extent unilateral sanctions are legitimate under international law and how they differ from sanctions imposed by the Security Council. The research method employed in this article is based on documentary and comparative analysis, through which the differences and similarities between unilateral sanctions and those imposed by the Security Council are examined. The process of reaching answers involves the analysis of international documents, review of legal cases, and examination of various scholars' opinions. The final outcome of the article reveals that unilateral sanctions often conflict with international legal principles and, in addition to violating human rights, contribute to weakening the global legal system. The innovation of this study lies in emphasizing the extraterritorial impacts and complexities of implementing unilateral sanctions, as well as the challenges they pose in a globalized world, which require a revision of international law principles.

Keywords: Sanctions, Blocking Regulations, Principle of Non-Intervention, Free Trade, Extraterritorial Laws.

چکیده

تحریم‌های یک‌جانبه و دیگر اقدامات اجباری در حقوق بین‌الملل یکی از موضوعات پیچیده و بحث‌برانگیز در روابط بین‌دولتی به شمار می‌روند که اثرات عمیقی بر حقوق بشر، امنیت جهانی و روابط تجاری دارند. با توجه به گسترش روزافزون این تحریم‌ها، تحلیل و ارزیابی ابعاد حقوقی آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که تا چه اندازه تحریم‌های یک‌جانبه از منظر حقوق بین‌الملل مشروعیت دارند و چه تفاوت‌هایی با تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد دارند؟ روش پژوهش در این پژوهش مبتنی بر تحلیل اسنادی و مقایسه‌ای است که به وسیله آن، تفاوت‌ها و شباهت‌های تحریم‌های یک‌جانبه و تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد بررسی می‌شود. فرایند رسیدن به پاسخ از طریق تحلیل اسناد بین‌المللی، بررسی پرونده‌های حقوقی و تحلیل نظرات حقوقدانان مختلف صورت گرفته است. دستاورد نهایی پژوهش نشان می‌دهد که تحریم‌های یک‌جانبه در بسیاری از موارد با اصول حقوقی بین‌المللی مغایرت دارند و علاوه بر نقض حقوق بشر، منجر به تضعیف سیستم حقوقی جهانی می‌شوند. نوآوری این پژوهش در تأکید بر تأثیرات فرامرزی و پیچیدگی‌های اجرای تحریم‌های یک‌جانبه و چالش‌های آن در دنیای جهانی‌شده است که نیازمند بازنگری در قواعد حقوق بین‌الملل می‌باشد.

واژگان کلیدی: تحریم، قوانین مسدودسازی، اصل عدم مداخله، تجارت آزاد، قوانین فرامرزی.

Received: 2025/03/24 - Review: 2025/05/18 - Accepted: 2025/06/07

در یافتن مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۰۷

ارجاع:

علوی، سیدفواد؛ تقی‌زاده، علی؛ قصابی‌فرد، محمدجواد؛ (۱۴۰۴)، مقایسه تحریم‌های یک‌جانبه و تحریم‌های شورای امنیت: تحلیل حقوقی و پیامدهای فرامرزی، تمدن حقوقی، شماره ۲۳.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY NC SA



مقدمه

تحریم‌های یک‌جانبه به‌عنوان ابزار فشار اقتصادی و سیاسی در روابط بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این اقدامات که معمولاً بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد و به‌طور یک‌جانبه توسط دولت‌ها یا گروهی از دولت‌ها اعمال می‌شوند، دارای تأثیرات گسترده‌ای بر حقوق بشر، اقتصاد و نظم جهانی هستند. با توجه به پیچیدگی‌های حقوقی و عملی این تحریم‌ها، مقایسه آن‌ها با تحریم‌های اعمال‌شده تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل متحد اهمیت ویژه‌ای دارد. بررسی مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه و نحوه تأثیر آن‌ها بر کشورها و جامعه بین‌الملل از مسائل مهمی است که نیازمند تحلیل دقیق است.

تحریم‌های یک‌جانبه به‌ویژه زمانی که هدف آن‌ها اعمال فشار بر دولت‌ها یا گروه‌های خاص برای تغییر رفتار یا سیاست‌های داخلی آن‌ها است، می‌توانند به نقض حقوق بشر، کاهش سطح توسعه اقتصادی و ایجاد نارضایتی عمومی منجر شوند. ازسوی دیگر، برخی کشورها این تحریم‌ها را به‌عنوان ابزاری مشروع برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی خود استفاده می‌کنند که این مسئله چالش‌های جدیدی در حقوق بین‌الملل و اصول حاکمیت ملی ایجاد می‌کند. در این زمینه، بررسی چگونگی تفاوت تحریم‌های یک‌جانبه با تحریم‌های بین‌المللی اعمال‌شده تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل متحد، برای فهم بهتر ابعاد حقوقی و سیاسی آن‌ها ضروری است.

ضرورت این پژوهش به‌ویژه در دنیای کنونی که تحریم‌های یک‌جانبه به‌طور فزاینده‌ای رایج شده‌اند و

تأثیرات منفی آن‌ها بر کشورها و مردم هدف آشکارتر شده است، اهمیت پیدا می‌کند. تحلیل حقوقی این تحریم‌ها و مقایسه آن‌ها با تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند به درک بهتری از مشروعیت، تأثیرات و پیامدهای آن‌ها کمک کند و راه‌حلی برای کاهش آثار منفی این تحریم‌ها ارائه دهد.

هدف اصلی این پژوهش بررسی مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه و مقایسه آن‌ها با تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد است. اهداف فرعی آن شامل تحلیل تأثیرات حقوقی، اقتصادی و اجتماعی تحریم‌های یک‌جانبه، بررسی اصول حاکمیت ملی و عدم مداخله، و ارزیابی کارآمدی قوانین مسدودکننده در مقابله با تحریم‌های فرامرزی است. این پژوهش همچنین به دنبال پاسخ به این سؤال است که تحریم‌های یک‌جانبه تا چه حد از منظر حقوق بین‌الملل مشروعیت دارند و چه تفاوت‌هایی با تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد دارند؟ سایر سؤال‌های فرعی شامل تأثیرات حقوق بشری تحریم‌های یک‌جانبه، تفاوت‌های حقوقی میان این دو نوع تحریم و کارآمدی قوانین مسدودکننده در مقابله با تحریم‌ها است. فرضیه این پژوهش این است که تحریم‌های یک‌جانبه در بسیاری از موارد از نظر حقوقی مشروع نیستند و با اصول حقوق بین‌الملل مغایرت دارند. این تحریم‌ها اغلب منجر به نقض حقوق بشر و تضعیف نظم جهانی می‌شوند و قوانین مسدودکننده، هرچند ممکن است در کاهش آثار منفی آن‌ها مؤثر باشند، در بسیاری از موارد ناکارآمد هستند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تحریم‌های یک‌جانبه اغلب با اصول حقوقی بین‌المللی مغایرت دارند و منجر به نقض حقوق بشر و تضعیف نظم جهانی می‌شوند. علاوه بر این، این تحریم‌ها اهداف خاص سیاسی و اقتصادی دارند که اغلب با اصول حقوق بین‌الملل در تضاد است. قوانین مسدودکننده که به‌عنوان راه‌حلی برای مقابله با این تحریم‌ها استفاده می‌شوند، به‌رغم اهمیت‌شان، همچنان با چالش‌های زیادی در اجرای مؤثر مواجه هستند.

۱- تحریم‌های یک‌جانبه و سایر اقدامات اجباری در حقوق بین‌الملل

شورای حقوق بشر، تحریم‌های یک‌جانبه را به این صورت تعریف می‌کند: «استفاده از تدابیر اقتصادی، تجاری یا سایر اقداماتی که توسط یک دولت، گروهی از دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی به‌صورت مستقل برای وادار کردن دولتی دیگر به تغییر سیاست‌هایش یا تحت فشار قرار دادن افراد، گروه‌ها یا نهادهای موجود در آن دولت‌ها به‌منظور تأثیرگذاری بر یک اقدام خاص، بدون مجوز شورای امنیت

سازمان ملل متحد، اتخاذ می‌شود». در ادبیات حقوقی نیز تعریف مشابهی برای تحریم‌های یک‌جانبه ارائه شده است. در این زمینه، این تحریم‌ها به‌عنوان «تدابیر غیرنظامی و غیراجباری در سیاست خارجی که توسط دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی برای تغییر رفتار دولت‌ها، نهادهای غیردولتی یا افراد یا واداشتن آن‌ها به انجام یک اقدام خاص به کار گرفته می‌شوند» شناخته می‌شوند.^۱

تحریم‌های یک‌جانبه بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد اعمال می‌شوند. به‌عنوان نمونه، اتحادیه اروپا از این تحریم‌ها به‌عنوان ابزاری کلیدی در سیاست خارجی خود یاد می‌کند و معتقد است که چنین تدابیری زمانی مؤثرتر هستند که با همکاری شرکای بین‌المللی طراحی و اجرا شوند. این تحریم‌ها علاوه بر ارسال پیام سیاسی واضح، می‌توانند به محدودسازی رفتارها یا تغییر آن‌ها کمک کنند (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۹، ۳۳۶). اتحادیه اروپا معمولاً توسل به تحریم‌های یک‌جانبه را با ناکامی شورای امنیت سازمان ملل متحد در اتخاذ تصمیمات مؤثر، به‌ویژه به‌دلیل استفاده مکرر از حق وتو توسط اعضای دائمی این شورا، توجیه می‌کند (داسگپتا، ۲۰۲۲، ۴۱۷).

بحث‌های کنونی پیرامون استفاده از اصطلاح «تحریم‌های یک‌جانبه» برای توصیف اقدامات اجباری مستقل ممکن است نشانه‌ای از تحول جدید در قوانین اجرای مجازات باشد، هرچند تاکنون قواعدی توافقی در این زمینه تدوین نشده است. در ادبیات حقوقی نیز به‌طور خاص تأکید شده که اصطلاح «تحریم‌ها» اکنون به‌صورت گسترده و گاهی نادرست برای توصیف تمامی انواع اقدامات اجباری اتخاذشده توسط دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی، چه با مبنای قانونی در حقوق بین‌الملل و چه بدون آن، به کار می‌رود. این استفاده نادرست به اقدامات یک‌جانبه ظاهری از قدرت قانونی می‌بخشد و به اشتباه چنین برداشت می‌شود که دولت‌ها مجاز به اعمال این تدابیر هستند. برخی پژوهشگران، با تمایز میان تحریم‌های اعمال‌شده توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌های یک‌جانبه، دومی را به‌عنوان «تدابیر محدودکننده» تعریف کرده‌اند (بوکیلون، ۲۰۲۱، ۸). برخی کشورها نیز همین رویکرد را اتخاذ کرده‌اند. باین‌حال، اصطلاح «تحریم‌های یک‌جانبه» همچنان به‌طور گسترده توسط پژوهشگران و سیاست‌گذاران به کار می‌رود.

1- Human Rights Council, Research-based progress report of the Human Rights Council Advisory Committee containing recommendations on mechanisms to assess the negative impact of unilateral coercive measures on the enjoyment of human rights and to promote accountability. A/HRC/28/74. 2015. Para. 9.

اگرچه اعلامیه ۱۹۷۰ میلادی درباره اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها بر اساس منشور سازمان ملل متحد تصریح می‌کند که: «هیچ دولتی نمی‌تواند از تدابیر اقتصادی، سیاسی یا هر نوع تدابیر دیگر برای تحت فشار قرار دادن دولت دیگری جهت محدودسازی حقوق حاکمیتی آن دولت و کسب مزایای خاصی استفاده کند»، اما تاکنون هیچ قاعده عرفی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که اعمال تحریم‌های یک‌جانبه را ممنوع کند.

۱-۱- اقدامات متقابل و تحریم‌های یک‌جانبه

مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل به پیامدهای قانونی ناشی از نقض تعهدات بین‌المللی توسط یک دولت اشاره دارد. یکی از ابزارهای مورد استفاده دولت‌های آسیب‌دیده برای پاسخ به اقدامات نادرست دولت‌های دیگر، اقدامات متقابل است (کردیوکوف و کشنر، ۲۰۱۴، ۱۱۴). اصطلاح «اقدامات متقابل» نخستین بار در رأی پرونده «توافقتنامه خدمات هوایی بین فرانسه و ایالات متحده» در بیست و هفتم مارس ۱۹۴۶ میلادی مطرح شد.^۲ پس از این تصمیم، کمیسیون حقوق بین‌الملل^۳ در پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها، واژه «تحریم» را به «اقدامات متقابل» تغییر داد. پیش از تصویب مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت دولت‌ها^۴، دیوان بین‌المللی دادگستری^۵ این اصطلاح را در پرونده‌های اشغال سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران^۶، فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی^۷ و پروژه گابچیکو-ناگیماروس^۸ به کار برد.

امروزه، اصطلاح «اقدامات متقابل» به‌عنوان یک مفهوم پذیرفته‌شده مورد استفاده قرار می‌گیرد و حتی توسط نهاد حل‌وفصل اختلافات سازمان تجارت جهانی^۹ نیز به کار می‌رود. به گفته کمیسیون حقوق بین‌الملل، قوانین سازمان تجارت جهانی یک رژیم خودبسنده محسوب می‌شوند.^{۱۰} بااین‌حال، در برخی موارد، هیئت‌های

2- Air Service Agreement of 27 March 1946 between the United States of America and France. RIAA. Vol. XVIII.

3- International Law Commission

4- Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts

5- International Court of Justice

6- ICJ: United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States of America v. Iran) (Merits). ICJ Reports. 1986.

7- ICJ: Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America) (Merits). ICJ Reports. 1986.

8- ICJ: Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia) (Merits). ICJ Reports. 1997

9- World Trade Organization

10- UN ILC: Fragmentation of international law: difficulties arising from the diversification and expansion of international law: report of the Study Group of the International Law Commission/finalized by Martti Koskeniemi.

داوری سازمان تجارت جهانی به مواد کمیسیون حقوق بین الملل درباره مسئولیت دولت‌ها استناد می‌کند، زیرا این قوانین نمی‌توانند به‌طور کامل از حقوق بین الملل جدا باشند (استارشینو، ۲۰۱۹، ۴۴). بر همین اساس، تأکید شده است که تدابیر سازمان تجارت جهانی نباید با اصول حقوق بین الملل عمومی در تعارض باشند.

کمیسیون حقوق بین الملل، مفهوم اقدامات متقابل را به‌عنوان انحرافی موقت از تعهدات موجود در یک معاهده توصیف می‌کند که به‌عنوان پاسخی ضروری و متناسب به یک عمل نادرست بین‌المللی توسط دولت خاطی اتخاذ می‌شود. جیمز کرافورد، با استناد به پرونده گابچیکو-ناجیماروس، بیان می‌کند: «اقدامات متقابل شامل عدم پابندی یک دولت به تعهدات بین‌المللی خود نسبت به دولت دیگر است که در پاسخ به نقض حقوق بین الملل توسط آن دولت اتخاذ شده و هدف آن وادار کردن دولت خاطی به اجرای تعهداتش، توقف نقض و جبران خسارت است» (کرافورد، ۲۰۱۳، ۶۸۵).

اقدامات متقابل نیازی ندارند که به همان تعهدی مربوط باشند که توسط دولت خاطی نقض شده است. بنابراین، پاسخ به نقض یک تعهد می‌تواند به تعهد دیگری مربوط باشد، به شرطی که الزامات ضرورت و تناسب رعایت شود. علاوه بر این، اقدامات متقابل باید قابل برگشت باشند. هدف از اعمال اقدامات متقابل تنها می‌تواند وادار کردن دولت خاطی به اجرای تعهدات ناشی از عمل نادرست باشد، به‌طوری که امکان بازگشت به اجرای تعهدات فراهم شود.^{۱۱} همچنین، این تدابیر نباید تعهدات مربوط به پرهیز از تهدید یا استفاده از زور، تعهدات مرتبط با حفاظت از حقوق بشر، تعهدات بشردوستانه مربوط به ممنوعیت اقدامات تلافی‌جویانه و سایر تعهدات عام^{۱۲} را نقض کنند. افزون بر این، دولت آسیب‌دیده باید از دولت خاطی درخواست کند که تعهدات خود را اجرا کند و آن را از تصمیم خود برای اعمال اقدامات متقابل مطلع ساخته و پیشنهاد مذاکره ارائه دهد. لازم به ذکر است که تمامی معیارهای ذکر شده برای اقدامات متقابل به‌صورت انباشتی هستند؛ یعنی برای مشروعیت، اقدام متقابل باید همه این معیارها را برآورده کند.

در بسیاری از موارد، تحریم‌های یک‌جانبه معیارهای انباشتی اقدامات متقابل مشروع را برآورده نمی‌کنند. برای نمونه، تحریم‌های اعمال‌شده علیه روسیه نمونه‌ای از این قاعده هستند. «لیز تراس»، وزیر امور خارجه بریتانیا، هدف این تحریم‌ها را «افزایش فشار بر اقتصاد روسیه» عنوان کرده است.^{۱۳} به‌طور مشابه، وزیر دارایی فرانسه اظهار داشته که این تدابیر به‌منظور «ایجاد فروپاشی اقتصاد روسیه» اتخاذ

11- ARSIWA, art. 49

12- Erga Omnes

13- Foreign Secretary announces 65 new Russian sanctions to cut off vital industries fuelling Putin's war machine. UK Gov- ernment. Press release. 24 March 2022.

شده‌اند.^{۱۴} این اظهارات نشان می‌دهد که تحریم‌های مذکور با اهداف مشروع اقدامات متقابل مطابقت ندارند و احتمالاً برگشت‌پذیر نیستند. همچنین، مقیاس و گستره این تحریم‌ها به وضوح معیار تناسب را نقض می‌کنند. از فوریه ۲۰۲۲ میلادی، کشورهای گروه هفت^{۱۵} هریک بیش از ده هزار تحریم یک‌جانبه علیه روسیه اعمال کرده‌اند. این کشور اکنون بیشترین تعداد تحریم‌ها را در جهان متحمل شده و از کشورهایی مانند ایران، سوریه، کره شمالی، بلاروس و ونزوئلا پیشی گرفته است.^{۱۶}

تحریم‌های یک‌جانبه در بسیاری از موارد منجر به نقض حقوق بشر شده‌اند. در جلسه سی و یکم مارس ۲۰۲۲ میلادی، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای تحت عنوان «تأثیرات منفی اقدامات اجباری یک‌جانبه بر بهره‌مندی از حقوق بشر» این تحریم‌ها را محکوم کرد. این قطعنامه با بیست و هفت رأی موافق، چهارده رأی مخالف و شش رأی ممتنع به تصویب رسید. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تأکید کرد که تحریم‌های یک‌جانبه، مانعی بر سر راه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها بوده و تحقق کامل حقوق بشر را مختل می‌کنند. این شورا اعلام کرد که این تحریم‌ها به‌ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر مانند افراد فقیر، زنان، کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت زیان‌آور هستند.^{۱۷}

این تحلیل نشان می‌دهد که تحریم‌های یک‌جانبه در اغلب موارد معیارهای مربوط به اقدامات متقابل مشروع را برآورده نمی‌کنند. در بسیاری از موارد، این تحریم‌ها نه تنها تناسب ندارند، بلکه اهداف غیرمشروع را دنبال کرده و با اصول حقوق بین‌الملل در تعارض هستند.

۱-۲- تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌های یک‌جانبه

بر اساس منشور سازمان ملل متحد، تحریم‌های بین‌المللی ابزاری هستند که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد^{۱۸} برای مقابله با تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی به کار گرفته می‌شوند.^{۱۹} شورای امنیت سازمان ملل متحد، به‌عنوان مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت جهانی، می‌تواند علیه دولت‌ها یا نهادهایی که فعالیت‌های آن‌ها تهدیدی برای صلح محسوب می‌شود، تحریم‌هایی اعمال کند. تجربیات اخیر نشان

14- French Finance Minister Bruno Le Maire said that sanctions aim is to cause the collapse of the Russian economy. Smith E. The West is trying to destroy Russia's economy. And analysts think it could succeed. CNBC. 2022

15- G7

16- Russia Sanctions Dashboard

17- Norton B. Sanctions violate human rights and should be lifted, says UN Human Rights Council-Geopolitical Economy Report. 2022

18- United Nations Security Council

19- Charter of the United Nations. 1945

داده است که شورای امنیت سازمان ملل متحد، تدابیر اجباری خود را نه تنها بر اساس تصمیمات سیاسی، بلکه با در نظر گرفتن پیامدهای نقض‌های قبلی حقوق بین‌الملل اعمال می‌کند.

در دسامبر ۲۰۲۲ میلادی، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه شماره ۲۶۶۴ را تصویب کرد که مقرراتی برای ایجاد معافیت‌های دائمی بشردوستانه در تقریباً تمام موارد مسدودسازی دارایی‌ها تحت تحریم‌های سازمان ملل متحد را فراهم می‌کند. بر اساس این قطعنامه، مجموعه‌ای از نهادهای مشخص، به همراه «دریافت‌کنندگان» و «شرکای اجرایی» آن‌ها، مجاز هستند برای ارائه کمک‌های بشردوستانه فعالیت کنند، حتی اگر این اقدامات شامل معاملات با نهادهای تحت تحریم باشد.^{۲۰} اکنون، شورای امنیت سازمان ملل متحد از تمامی یکصد و نود و سه عضو سازمان ملل متحد درخواست کرده است که فعالیت‌های مرتبط با کمک‌های بشردوستانه توسط نهادها و افراد مشخص، از اکثر رژیم‌های مسدودسازی دارایی‌های تحت تحریم شورای امنیت سازمان ملل متحد مستثنی شود.

در مقابل، تحریم‌های یک‌جانبه از نظر حقوقی با تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد برابر نیستند. در فرایند تصمیم‌گیری این تحریم‌ها، هیچ‌گونه توازن و تعادلی برای تعیین میزان تهدید علیه صلح و امنیت یا در نظر گرفتن استثنائات بشردوستانه وجود ندارد. هدف این تحریم‌ها تنها اعمال فشار و محدودسازی یک دولت به صورت یک‌جانبه است. برخلاف تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد که مبتنی بر حقوق بین‌الملل و برای حفظ صلح و امنیت جهانی اعمال می‌شوند، تحریم‌های یک‌جانبه اغلب در راستای منافع ژئوپلیتیکی دولت‌های اعمال‌کننده تنظیم می‌شوند و توجهی به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ندارند. علاوه بر این، تحریم‌های یک‌جانبه به رژیم‌های بشردوستانه توجه چندانی ندارند و حداکثر معافیت‌ها برای اهداف بشردوستانه را فراهم نمی‌کنند. در عوض، این تحریم‌ها بر یک سیستم کاملاً محدود «صدور معجز» متکی هستند که معمولاً تحت کنترل قوه مجریه دولت اعمال‌کننده قرار دارد.^{۲۱}

۱-۳- تلافی، مقابله به مثل و تحریم‌های یک‌جانبه

تلافی و مقابله به مثل دو مفهوم مجزا در حقوق بین‌الملل هستند که به اقداماتی اشاره دارند که دولت‌ها در واکنش به نقض‌های احتمالی توسط سایر دولت‌ها انجام می‌دهند. تلافی به عنوان «رفتاری غیردوستانه که با هیچ تعهد بین‌المللی برای دولت انجام‌دهنده ناسازگار نیست، حتی اگر پاسخی به یک عمل نادرست

20- UN SC: S/RES/2664. 2022

21- Complying with professional and business services sanctions related to Russia

بین‌المللی باشد» تعریف می‌شود. این اقدامات نوعی خودیاری محسوب شده و معمولاً در چهارچوب حقوق بین‌الملل جای می‌گیرند. در مقابل، مقابله به مثل^{۲۲} شامل اقداماتی است که یک دولت برای وادار کردن دولت دیگر به رعایت تعهدات خود یا جبران نقض حقوق بین‌الملل انجام می‌دهد (مالیف و همکاران، ۲۰۱۶، ۸۲). برخلاف تلافی، مقابله به مثل‌ها به شکل اقدامات اجباری یا تنبیهی صورت می‌گیرند و معمولاً فراتر از تلافی هستند. البته این اقدامات مشمول شرایط و محدودیت‌های قانونی خاصی هستند تا مشروعیت و تناسب آن‌ها تضمین شود.

در گذشته، مقابله به مثل به توقیف اموال طرف خاطی به اندازه خسارت وارده محدود می‌شد. این اقدامات که بر اساس مسئولیت جمعی استوار بودند، می‌توانستند علیه هریک از اعضای جامعه طرف خاطی اعمال شوند. در حال حاضر، اصطلاح «مقابله به مثل» همچنان در حوزه حقوق بشردوستانه استفاده می‌شود و به معنای «مقابله به مثل متخاصمانه» است (راچکوف، ۲۰۱۴، ۱۰۳). این عبارت به اقداماتی در زمان درگیری مسلحانه بین‌المللی اشاره دارد که ممکن است شامل نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد. با این وجود، مقابله به مثل، با وجود به رسمیت شناخته شدن در حقوق بین‌الملل، نباید با اعمال غیرقانونی همچون استفاده از زور یا اقدامات تهاجمی اشتباه گرفته شود. مقابله به مثل نباید شامل اقداماتی باشد که هنجارهای الزام‌آور بین‌المللی^{۲۳} یا تعهدات حقوق بشری را نقض کنند.

تحریم‌های یک‌جانبه از یک سو، شباهت‌هایی با تلافی و مقابله به مثل دارند، چرا که هر سه در واکنش به نقض‌های احتمالی حقوق بین‌الملل و با هدف وادار کردن طرف خاطی به رعایت قانون اعمال می‌شوند. اما از سوی دیگر، تفاوت اصلی در معیارهای قانونی بودن و تناسب این اقدامات است. درحالی که تلافی و مقابله به مثل باید استانداردهای حقوقی مشخصی را رعایت کنند، تحریم‌های یک‌جانبه اغلب بدون رعایت این استانداردها و صرفاً بر اساس صلاحدید دولت اعمال‌کننده وضع می‌شوند.

۲- تحریم‌های یک‌جانبه به عنوان تدابیر محدودکننده تجاری

تحریم‌ها در نظام تجارت چندجانبه ابزاری بحث‌برانگیز محسوب می‌شوند، زیرا با مختل کردن روابط اقتصادی میان کشورها، مغایر با اهداف اصلی کشورهای عضو موافقتنامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت

۲۲- از واژه فرانسوی reprendre به معنی «باز پس گرفتن».

گات^{۲۴} هستند. این اهداف شامل ایجاد روابط تجاری پایدار، ایمن، شفاف و قابل پیش‌بینی می‌شود. با این وجود، بر اساس ماده ۲۱ گات، تحریم‌ها به‌عنوان بخشی از استثنائات امنیتی مجاز دانسته شده‌اند کنند (اسمیتس و همکاران، ۲۰۱۹، ۲۸۲). این موضوع تضادی آشکار بین اهداف کلی گات و استفاده از تحریم‌ها به وجود آورده است.

تدابیر محدودکننده تجاری، نوعی تبعیض به شمار می‌آیند و با اصول تجارت آزاد، از جمله رفتار ملی، رفتار دولت کامله الوداد^{۲۵} و تجارت متقابل، ناسازگار هستند (چوکروون و ندومپارا، ۲۰۲۱، ۷۵۸). برخی از دلایل اصلی وضع این تدابیر در چهارچوب سازمان تجارت جهانی شامل دستیابی به اهداف خاص از طریق قطع یا محدودسازی روابط تجاری، اعمال تحریم‌های تبعیض‌آمیز و استفاده از این تدابیر به‌عنوان ابزار تلافی‌جویانه در فرایند حل‌وفصل اختلافات است کنند (اسمیتس و همکاران، ۲۰۱۹، ۲۸۳). این تدابیر با اهداف و اصول سازمان تجارت جهانی در تضاد هستند.

در زمینه تحریم‌های یک‌جانبه، بسیاری از کشورها این تحریم‌ها را با توجیه «تهدید امنیتی» اعمال می‌کنند.^{۲۶} تدابیر محدودکننده تجاری که به‌منظور حفاظت از منافع امنیتی اساسی طراحی شده‌اند، حتی در صورت مغایرت با توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی، ممکن است بر اساس ماده استثنای امنیتی قابل توجیه باشند، مشروط بر این که معیارهای تعیین شده در پرونده «روسیه-ترانزیت»^{۲۷} را برآورده کنند.^{۲۸} این پرونده نقطه عطفی در تلاش برای ایجاد توازن میان دیدگاه‌های متضاد درباره صلاحیت سازمان تجارت جهانی در رسیدگی به اختلافات مرتبط با منافع امنیتی اعضاء بود و استنادردی برای ارزیابی استثنای امنیتی تعیین کرد (بوکلان و شاوبرت، ۲۰۱۸، ۲۵).

یکی از سؤال‌های مهم در این پرونده این بود که آیا استثنای امنیتی را می‌توان «قابل بررسی»^{۲۹} دانست،

24- General Agreement on Tariffs and Trade

25- Most Favored Nation

26- Moret E. Sanctions and the Costs of Russia's War in Ukraine. 2022

27- Russia-Transit

۲۸- این اختلاف بین اوکراین و روسیه در سال ۲۰۱۶ میلادی آغاز شد. اوکراین به سازمان تجارت جهانی شکایت کرد و مدعی شد که روسیه با محدود کردن ترانزیت کالاهای اوکراینی به قرقیزستان و قرقیزستان از خاک خود، اصول سازمان تجارت جهانی را نقض کرده است. روسیه در دفاع از خود به ماده ۲۱ گات که شامل استثنائات امنیتی است، استناد کرد و ادعا کرد که اقداماتش برای حفاظت از منافع امنیتی اساسی‌اش ضروری بوده است.

29- justiciable

یا این که این موضوع «وابسته به تشخیص و قضاوت یک‌جانبه»^{۳۰} است؟ ماده‌ای خودقضاوتی زمانی تعریف می‌شود که کشور اعمال‌کننده آن را به‌صورت ذهنی و بدون تکیه بر استانداردهای قانونی ارزیابی کند. در مقابل، یک ماده قابل بررسی باید استانداردهای قانونی عینی را رعایت کند و بر مبنای رویکرد تفسیری عینی ارزیابی شود (بوکلان و بهری، ۲۰۲۰، ۱۳۶). برخی پژوهشگران بر این باورند که عبارت «هر اقدامی که آن را ضروری می‌داند» اختیار گسترده‌ای به کشور اعمال‌کننده می‌دهد (لیندسی، ۲۰۰۳، ۱۳۱۳). با این حال، این اختیار باید با منافع تجاری سایر اعضای سازمان تجارت جهانی متوازن شود. چنین توازنی تنها زمانی امکان‌پذیر است که تدابیر مورد نظر توسط مکانیزم قضایی سازمان تجارت جهانی قابل بررسی باشند؛ در غیر این صورت، این ماده مستعد سوءاستفاده خواهد بود.

در پرونده «روسیه-ترانزیت»، هیئت حل‌وفصل اختلافات سازمان تجارت جهانی، ترکیبی از رویکرد عینی و ذهنی را به کار برد. هیئت نتیجه‌گیری کرد که روسیه نه تنها الزامات بند سوم ماده استثنای امنیتی را رعایت کرده، بلکه شرایط مندرج در پیش‌نویس ماده را نیز برآورده ساخته است. هیئت برای شمول یک اقدام در چهارچوب استثنای امنیتی، سه شرط اصلی تعیین کرد. اول، معیار زمانی که مشخص می‌کند آیا اقدام در یک دوره خاص^{۳۱} رخ داده است یا خیر؟ دوم، ماهیت بحران که در آن هیئت عبارت «بحران در روابط بین‌المللی» را تعریف کرد. بر اساس این تعریف، بحران شامل تمام منافع دفاعی، نظامی و همچنین حفظ نظم عمومی می‌شود. اما منافع سیاسی و اقتصادی را از این دامنه مستثنی کرد. هیئت همچنین تأکید کرد که اختلافات سیاسی یا اقتصادی به‌خودی‌خود برای ایجاد بحران کافی نیستند، مگر این که منجر به تهدید منافع دفاعی، نظامی، یا نظم عمومی شوند. سوم، هیئت نتیجه گرفت که واگذاری تفسیر این استثناء به اراده یک‌جانبه اعضاء به‌طور جدی به امنیت و پیش‌بینی‌پذیری نظام تجارت چندجانبه آسیب می‌رساند. بر اساس این تحلیل سه‌بعدی و با استفاده از رویکرد عینی و تفسیری محدود، هیئت صلاحیت خود را در رسیدگی به این اختلاف تعیین کرد.

هیئت در بررسی مفهوم «بحران در روابط بین‌المللی» تأکید کرد که این عبارت به وضعیتی از درگیری مسلحانه، درگیری مسلحانه بالقوه، تنش یا بحران شدید یا بی‌ثباتی عمومی اشاره دارد که کشور را احاطه کرده یا تحت تأثیر قرار داده باشد. برای اثبات چنین شرایطی، هیئت به عوامل ارائه‌شده توسط روسیه

30- self-judging

۳۱- مانند جنگ یا بحران در روابط بین‌المللی.

استناد کرد، به‌ویژه این که وضعیت اوکراین^{۳۲} و تأثیر آن بر امنیت مرزهای روسیه را مورد توجه قرار داد. هیئت بیان داشت که هرچه یک کشور از درگیری مسلحانه یا وضعیتی که به فروپاشی قانون و نظم عمومی منجر می‌شود فاصله بیشتری داشته باشد، منافع دفاعی، نظامی، یا حفظ قانون و نظم عمومی کمتر آشکار و قابل تشخیص خواهد بود. در چنین شرایطی، از کشور عضو انتظار می‌رود که منافع امنیتی اساسی خود را با دقت بیشتری تعریف و مشخص کند. هیئت همچنین تأکید کرد که تعهد به حسن نیت باید نه تنها در تعریف منافع امنیتی اساسی مرتبط با بحران خاص در روابط بین‌المللی، بلکه در ارتباط این منافع با تدابیر مورد بحث نیز رعایت شود. هیئت تصریح کرد که برای استفاده از استثنای امنیتی، تدابیر مورد بحث باید حداقلی از محتمل بودن خطر را در ارتباط با منافع امنیتی اساسی ارائه دهند. این بدان معنا است که تدابیر اتخاذشده نباید به‌طور واضح غیرمنطقی یا غیرمرتبط با حفاظت از منافع امنیتی باشند.

در پرونده دیگری با موضوع حقوق مالکیت فکری-عربستان^{۳۳}، هیئت از رویکرد مشابهی استفاده کرد. در این پرونده، برای تعیین مفهوم «بحران در روابط بین‌المللی»، به عواملی همچون قطع روابط دیپلماتیک و کنسولی میان عربستان و قطر، اتهامات عربستان به قطر در حمایت از تروریسم و افراط‌گرایی، ضرورت حفاظت از قلمرو عربستان در برابر این تهدیدات و ممنوعیت سفر شهروندان قطری به عربستان و اخراج آن‌ها از قلمرو عربستان استناد شد.^{۳۴}

هر دو هیئت در نهایت نتیجه گرفتند که عبارت «هر اقدامی که آن را ضروری می‌داند» شامل تعیین شرایط در چهارچوب هر یک از زیرمجموعه‌های پیش‌نویس ماده نمی‌شود. باین حال، درباره تفسیر «منافع امنیتی اساسی»، هیئت‌ها بر این باور بودند که عبارت «آن را ضروری می‌داند» به کشور عضو اجازه می‌دهد که به‌صورت عمده و با اختیار خود، منافع امنیتی اساسی را تعریف کند.

این تحلیل نشان می‌دهد که توجیه تحریم‌های یک‌جانبه تحت استثنای امنیتی سازمان تجارت جهانی موضوعی پیچیده و چالش‌برانگیز است. به‌عنوان مثال، تحریم‌های یک‌جانبه‌ای که توسط ایالات متحده

۳۲- شاکی پرونده.

۳۳- پس از بحران دیپلماتیک میان عربستان و قطر در سال ۲۰۱۷ میلادی، عربستان روابط دیپلماتیک و اقتصادی خود با قطر را قطع کرد و اقدامات مختلفی علیه قطر انجام داد. قطر ادعا کرد که عربستان قوانین سازمان تجارت جهانی درباره حقوق مالکیت فکری را نقض کرده است، به‌ویژه در مورد عدم حفاظت از حقوق مالکیت فکری شبکه رسانه‌ای قطری beIN و عدم جلوگیری از بخش غیرقانونی محتوای متعلق به قطر توسط یک شبکه عربستانی به نام beoutQ.

34- WTO: Saudi Arabia-Intellectual Property Rights

امریکا، کانادا، اتحادیه اروپا، بریتانیا، نیوزیلند، سوئیس، لیختن‌اشتاین، نروژ و ایسلند علیه روسیه اعمال شده‌اند، اغلب به‌سختی معیارهای تعیین‌شده توسط هیئت‌ها در پرونده‌های روسیه-ترانزیت و عربستان-حقوق مالکیت فکری را برآورده می‌کنند. نخست، هیچ یک از کشورهای تحریم‌کننده به‌طور مستقیم در درگیری با روسیه مشارکت ندارند. دوم، این کشورها^{۳۵} با روسیه هم‌مرز نیستند. سوم، روابط دیپلماتیک و کنسولی با روسیه به‌طور کامل قطع نشده است، اگرچه مواردی از اخراج دیپلمات‌های روس گزارش شده است. افزون بر این، تحریم‌های اعمال‌شده علیه روسیه عمدتاً ماهیت اقتصادی دارند و با هدف آسیب‌رساندن به اقتصاد این کشور طراحی شده‌اند، نه حفاظت از قلمرو یا تأمین عملکرد دولتی کشورهای تحریم‌کننده.

در کنار این موارد، خطر سوءاستفاده از استثنای امنیتی برای توجیه تحریم‌های یک‌جانبه وجود دارد. رأی هیئت در پرونده «الزامات علامت‌گذاری منشأ-ایالات متحده امریکا»^{۳۶} تفسیری بسیار گسترده از بند استثنای امنیتی، به‌ویژه درباره تعریف عبارت «بحران در روابط بین‌المللی» ارائه داد.^{۳۷} هیئت، با استناد به فرهنگ لغت آنلاین آکسفورد، «روابط بین‌المللی» را به‌عنوان «روابط شامل تبادلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» تعریف کرد و تأکید داشت که این روابط لزوماً محدود به روابط دوجانبه بین عضو درخواست‌کننده و عضو تحت‌تأثیر نیست.

چنین تفسیری می‌تواند باعث سوءاستفاده از استثنای امنیت ملی شود، زیرا این امکان را فراهم می‌آورد که کشوری که به‌طور مستقیم در شرایط بحران روابط بین‌المللی مشارکت ندارد، تعهدات خود را تحت توافقنامه‌های گات، گاتس^{۳۸} و تریپس^{۳۹} نقض کند. این موضوع ممکن است به تصویری منجر شود که امنیت ملی استثنایی بر آزادی‌سازی تجارت است و هر دو ارزش ذاتاً در تضاد هستند. در نتیجه، چنین رویکردی می‌تواند سیستم تجارت چندجانبه را که خود با چالش‌های بسیاری مواجه است، تضعیف کند. بنابراین، برای جلوگیری از سوءاستفاده از استثنای امنیتی، هیئت‌های سازمان تجارت جهانی باید از رویکرد متوازن اتخاذ‌شده در پرونده روسیه-ترانزیت پیروی کنند. شایان ذکر است که این پرونده تنها موردی است که گزارش هیئت آن، توسط نهاد حل‌وفصل اختلافات سازمان تجارت جهانی، درباره تفسیر استثنای امنیتی

۳۵- به‌جز چند عضو اتحادیه اروپا.

۳۶- منظور از الزامات علامت‌گذاری منشأ-ایالات متحده امریکا به اختلافی در سازمان تجارت جهانی اشاره دارد. این اختلاف به اقداماتی مرتبط است که ایالات متحده امریکا تحت عنوان استثنای امنیتی ماده ۲۱ گات برای اعمال تعرفه‌های اضافی بر واردات فولاد و آلومینیوم انجام داد.

37- WTO: United States-Origin Marking Requirement

38- General Agreement on Trade in Services

39- Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights

پذیرفته شده است. این رویکرد تأکید می‌کند که زمینه استثنای امنیتی باید به‌طور مشخص به مسائل نظامی و مرتبط با آن محدود شود و منافع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی یا سایر موارد مشابه را پوشش ندهد.

۳- قلمرو فرامرزی رژیم تحریم‌های یک‌جانبه و مکانیسم‌های مسدودسازی

بر اساس نظریه‌ای که توسط دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی^{۴۰} در پرونده لوتوس^{۴۱} مطرح شده است، «اولین و اساسی‌ترین محدودیتی که حقوق بین‌الملل بر یک دولت تحمیل می‌کند این است که نمی‌تواند قدرت خود را به هر شکلی در قلمرو دولت دیگر اعمال کند مگر در موارد وجود یک قاعده مجازکننده». بنابراین، هرگونه اقدام دولتی، حتی اگر به‌صورت غیرمستقیم و اجباری باشد، در صورتی که به‌عنوان اعمال اختیارات حاکمیتی در قلمرو کشور دیگر تلقی شود، باید ممنوع باشد. حاکمیت دولتی با اصل عدم مداخله محافظت می‌شود، اصلی که نقش کلیدی در حفظ ثبات نظم جهانی ایفاء می‌کند. حاکمیت سرزمینی دلالت بر این دارد که صلاحیت یک دولت در قلمرو خود انحصاری است. در صلح وستفالی، مفهوم حاکمیت به معنای شناسایی صلاحیت دولت‌ها به‌عنوان حکومت‌های مستقل و مشروع در قلمرو خودشان بود.

در پرونده جزیره پالماس^{۴۲}، داور «م. هوبر»^{۴۳} تصریح کرد که حاکمیت در روابط بین دولت‌ها به معنای استقلال است.^{۴۴} این استقلال به معنای حق اعمال اختیارات دولتی در یک بخش خاص از جهان و به استثنای هر دولت دیگر است. حاکمیت به‌عنوان فرضی درباره اقتدار تعریف می‌شود و دلالت بر مشروعیت حاکمیت دارد. در این مفهوم، یک دولت تابع قدرت قانونی دولت دیگری یا مرجع بالاتری نیست و اصولاً با سایر دولت‌ها برابر است که این مفهوم در اصل «برابر بر برابر سلطه‌ای ندارد»^{۴۵} منعکس شده است (شراپور، ۲۰۰۰، ۶۵).

مدل وستفالیایی حاکمیت برای اولین بار حاکمیت را نه تنها بر مردم^{۴۶}، بلکه بر قلمرو خاص اعمال

40- Permanent Court of International Justice

41- PCIJ: The case of the S.S. Lotus (Merits). 1927. Series A. No. 10.

۴۲- یک پرونده داوری بین‌المللی در سال ۱۹۲۸ میلادی بود که بین ایالات متحده آمریکا و هلند درباره مالکیت جزیره پالماس در اقیانوس آرام مطرح شد. ماکس هوبر، به‌عنوان داور، تصمیم گرفت که حاکمیت سرزمینی باید بر اساس استمرار کنترل مؤثر اعمال شود. او اعلام کرد که حاکمیت به معنای استقلال دولت‌ها در قلمرو خود و به استثنای سایر دولت‌ها است.

43- Max Huber

44- Permanent Court of Arbitration. Island of Palmas case (Netherlands v. USA). Award of 4 April 1928. UN Reports of International Arbitral Awards. Vol. II.

45- par in parem non habet imperium

۴۶- که پیش از این وجود داشت.

کرد. این مدل نشان می‌داد که برای حفاظت از جمعیت، کنترل بر قلمرو ضروری است. این موضوع در نظر جداگانه قاضی «آلوارز» در پرونده کانال کورفو^{۴۷} نیز تصریح شده است، جایی که حاکمیت به‌عنوان مجموعه کامل حقوق و ویژگی‌هایی که یک دولت در قلمرو خود و در روابطش با سایر دولت‌ها دارد، تعریف شد.^{۴۸}

اعمال فرامرزی قوانین داخلی معمولاً بر اساس نظریه‌ای به نام «تأثیرات»^{۴۹} توجیه می‌شود. این نظریه زمانی به کار می‌رود که دولت صلاحیت خود را بر این مبنا اعمال کند که رفتار یک طرف در قلمرو آن تأثیر می‌گذارد، حتی اگر تمامی رفتار در قلمرو کشور دیگری صورت گرفته باشد. این نظریه بیشتر در ایالات متحده آمریکا، به‌ویژه در زمینه مقررات ضدانحصار و با محدودیت بیشتر در اتحادیه اروپا اعمال می‌شود. نظریه تأثیرات بیان می‌کند که «هر دولتی می‌تواند برای رفتار خارج از مرزهای خود که در داخل مرزهای آن پیامد داشته باشد، حتی در قبال اشخاصی که تحت تابعیت آن نیستند، مسئولیت ایجاد کند». این نظریه به دولت‌ها امکان می‌دهد تا در مواردی که منافع داخلی‌شان از طریق رفتارهای فرامرزی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، وارد عمل شوند.

صلاحیت و اعمال آن ذاتاً سرزمینی است و این رویکرد از اساس در حقوق بین‌الملل سنتی ریشه دارد (گل‌دین، ۲۰۱۸، ۱۰۹). با این حال، پایبندی سختگیرانه به قاعده سرزمینی بودن می‌تواند روابط بین‌المللی را پیچیده کند، زیرا وابستگی متقابل اقتصادها در دنیای امروز به‌شدت افزایش یافته است. جهانی‌شدن، تقویت تجارت خارجی و روابط اقتصادی، ظهور زنجیره‌های تأمین جدید و ایجاد انواع مختلف مسئولیت‌ها باعث شده است که در رویکرد سرزمینی بودن صلاحیت بازنگری صورت گیرد. ایالات متحده آمریکا برای تطبیق با این تغییرات، رویکرد خود را تعدیل کرده و «قاعده منطقی صلاحیت»^{۵۰} را به‌عنوان یک معیار متوازن معرفی نموده است. این قاعده علاوه بر الزام به وجود قصد و این دیدگاه که تأثیرات باید قابل توجه باشند، مستلزم در نظر گرفتن منافع سایر کشورها و بررسی کامل ماهیت روابط میان

۴۷- پرونده کانال کورفو (۱۹۴۹ میلادی) به برخورد کشتی‌های بریتانیایی با مین‌های دریایی در آب‌های سرزمینی آلبانی مربوط می‌شود. بریتانیا، آلبانی را به اطلاع ندادن درباره وجود مین‌ها متهم کرد و آلبانی عبور بریتانیا را نقض حاکمیت خود دانست. دیوان رأی داد که آلبانی مسئول اطلاع‌رسانی بوده و بریتانیا نیز با عبور بدون اجازه، حاکمیت آلبانی را نقض کرده است.

48- ICJ: Corfu Channel (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v Albania). Separate Opinion of Judge Alvarez. 1949.

49- Effects Doctrine

50- jurisdictional rule of reason

کشورها و ایالات متحده امریکا است (شاو، ۲۰۲۱، ۵۹۸). در این چهارچوب، دادگاه‌ها به‌طور مستقل میزان ارتباط منافع دولت خارجی را ارزیابی می‌کنند. با این حال، این رویکرد که دادگاه‌ها را به عملکردی دیپلماتیک نزدیک می‌کند، مورد انتقاد قرار گرفته است.

سیاست ایالات متحده امریکا در این زمینه، واکنش متقابل سایر کشورها را در قالب تصویب قوانین مسدودکننده برانگیخت. داستان جنجالی این سیاست‌ها به‌ویژه پس از مسدود شدن دارایی‌های ایران و اجرای خط لوله سیبری آغاز شد. همچنین، تصویب قوانین تحریم ایالات متحده امریکا علیه کوبا، ایران و لیبی با انتقاداتی از سوی شرکای خارجی، به‌ویژه بریتانیا، اتحادیه اروپا و کانادا مواجه شد. کمیته حقوقی بین‌المللی سازمان کشورهای امریکایی نیز اعلام کرد که «اعمال چنین صلاحیتی با معیارهای تعیین‌شده در حقوق بین‌الملل مطابقت ندارد» (شاو، ۲۰۲۱، ۵۹۸). اتحادیه اروپا نیز تلاش کرد تا تعارضات صلاحیتی با ایالات متحده امریکا را درباره شرکت‌های وابسته به ایالات متحده امریکا در اروپا از طریق توافقنامه‌ای درباره اجرای قوانین رقابت حل کند. با این حال، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا^{۵۱} حکم داد که کمیسیون اتحادیه اروپا در انعقاد چنین توافقنامه‌ای فراتر از صلاحیت خود عمل کرده است (گل‌دین، ۲۰۱۸، ۱۰۹). علاوه بر این، اشاره شده است که این توافقنامه ارزش مشخصی نداشته است، زیرا مشکلات اصلی همچنان حل نشده باقی ماندند.

ایالات متحده امریکا فرامیزی بودن تحریم‌های یک‌جانبه و سازگاری آن با حقوق بین‌الملل را از طریق قانون «هلمز-برتون»^{۵۲} توجیه می‌کند. بر اساس این قانون، «حقوق بین‌الملل به یک کشور اجازه می‌دهد که قوانین خود را در مورد رفتارهای خارج از قلمرو خود اعمال کند، به شرطی که این رفتار تأثیر قابل توجهی در قلمرو آن کشور داشته باشد یا قصد ایجاد چنین تأثیری را داشته باشد» (کربرت، ۲۰۲۱، ۱۷۷). ایده محوری این قانون این است که سرمایه‌گذاری‌های اتباع کشورهای ثالث در اموالی که توسط دولت کوبا از شهروندان امریکایی مصادره شده است، هرگونه تلاش ایالات متحده امریکا برای بازگرداندن این اموال به مالکان اصلی را تهدید می‌کند. در نتیجه، این اقدام به منافع شهروندان امریکایی لطمه می‌زند و از آنجا که این افراد در قلمرو ایالات متحده امریکا قرار دارند، چنین رفتاری بر قلمرو ایالات متحده امریکا تأثیر می‌گذارد. با این حال، همچنان

51- European Court of Justice

۵۲- قانون هلمز-برتون که به‌طور رسمی با عنوان قانون آزادی و همبستگی دموکراتیک کوبا شناخته می‌شود، یک قانون ایالات متحده امریکا است که تحریم‌های شدید اقتصادی و تجاری علیه کوبا را اعمال می‌کند.

این پرسش باقی است که آیا چنین ادعایی از نظر حقوق بین‌الملل قابل پذیرش است یا خیر؟ رویکرد کنونی بریتانیا این است که «یک دولت تنها در حدی که برای اجرای صلاحیت قانونگذاری خود ضروری باشد، می‌تواند صلاحیت اجرایی را در خارج از مرزهای خود اعمال کند» (کرافورد، ۲۰۱۹، ۴۶۴). این رویکرد بر اصول موجود در زمینه صلاحیت استوار است و به اصل ارتباط قابل توجه نزدیک‌تر است. رویکرد ایالات متحده آمریکا از دیدگاه بسیاری از کشورها موجب نگرانی‌هایی شده و به عنوان نقض حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود. این نگرانی‌ها به‌ویژه به دلیل غیرقانونی بودن تحریم‌های یک‌جانبه و اجرای فرامرزی آن‌ها مطرح است، چرا که این اقدامات نقض حاکمیت سایر کشورها بوده و اصول صلاحیت و عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها را زیر پا می‌گذارد.^{۵۳} علاوه بر این، این تحریم‌ها با تعهدات کشورهای تحریم‌کننده در چهارچوب حقوق تجارت بین‌الملل و معاهدات بین‌المللی در تضاد است (کریسکی، ۲۰۲۱، ۱۰۱).

در زمینه تحریم‌ها، مفهوم فرامرزی بودن به ادعای یک کشور برای اجرای اقدامات محدودکننده داخلی در خارج از قلمرو خود اشاره دارد. این مفهوم همچنین شامل موقعیت‌هایی است که در آن کشورها، شرکت‌کنندگان خارجی را که در فرایندهای مرتبط با عناصر تحریمی فعالیت می‌کنند، در قلمرو خود مسئول می‌دانند. نمونه بارز این موضوع، تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران است که نه تنها شرکت‌ها و افراد آمریکایی را از تجارت با ایران منع می‌کند، بلکه شرکت‌های خارجی را نیز که با ایران همکاری دارند، تهدید به اعمال تحریم‌های ثانویه می‌کند (رویز، ۲۰۲۰، ۱۴). در حال حاضر تنها ایالات متحده آمریکا به‌طور فعال الزامات فرامرزی تحریم‌های خود را اجرا می‌کند.

برخی کشورها با تکیه بر موقعیت خود در اقتصاد جهانی تلاش می‌کنند قوانین ملی خود را بدون محدودیت جغرافیایی گسترش دهند. این گسترش، به‌ویژه از طریق تحریم‌های یک‌جانبه و تحریم‌های ثانویه صورت می‌گیرد. استفاده از سیستم مالی این کشورها یکی از مبانی اصلی این اقدامات محسوب می‌شود. این رویکرد همچنین نشان‌دهنده فشار سیاسی در چهارچوب نظم حقوقی داخلی برای اجرای تصمیمات و اتخاذ سیاست‌های خارجی است.

لازم به ذکر است که تعیین میزان جدیت اجبار ناشی از تحریم‌های یک‌جانبه برای نقض اصل عدم مداخله از اهمیت بالایی برخوردار است. در حال حاضر، دکترین حقوق بین‌الملل هنوز به این پرسش

53- UN GA: Secondary sanctions, civil and criminal penalties for circumvention of sanctions regimes and overcompliance with sanctions. A/HRC/51/33. 2022.

پاسخی قطعی نداده است. با این وجود، همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری^{۵۴} در پرونده نیکاراگوئه^{۵۵} تأکید کرده است، مداخله زمانی غیرقانونی می‌شود که از روش‌های قهری برای تأثیرگذاری بر نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا در تدوین سیاست خارجی استفاده شود که این امور باید به صورت آزادانه صورت گیرند. بر این اساس، می‌توان فرض کرد که اگر تحریم‌های یک‌جانبه بر رفتار دولت هدف در حوزه سیاست خارجی تأثیر بگذارند، می‌تواند نقض اصل عدم مداخله تلقی شود. به عنوان مثال، در مارس ۲۰۲۳ میلادی، در پی تغییرات گسترده در نظام بین‌المللی، روسیه یک مفهوم جدید سیاست خارجی تصویب کرد. در این مفهوم، تحریم‌های یک‌جانبه به عنوان اقدامات غیردوستانه معرفی شده‌اند که در برابر آن‌ها امکان اتخاذ اقدامات متقارن و نامتقارن پیش‌بینی شده است.^{۵۶} همچنین، در این سند بر نظارت بر چنین اقداماتی برای حفاظت از شهروندان و سازمان‌های روسی تأکید شده است. با این حال، بررسی این موضوع نیازمند مطالعه عمیق‌تر است که فراتر از محدوده این پژوهش قرار می‌گیرد. در نتیجه، استفاده از تحریم‌های یک‌جانبه فرامرزی با یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل^{۵۷} در تضاد است. تحریم‌های یک‌جانبه به ابزاری برای سیاست خارجی برخی کشورها تبدیل شده‌اند. دامنه فرامرزی این تحریم‌ها چالشی جدی برای هدف توسعه و حفظ یک نظم حقوقی بین‌المللی مبتنی بر قوانین ایجاد کرده است. سازمان ملل متحد، اقدامات قهری یک‌جانبه را همراه با تمامی پیامدهای فرامرزی آن‌ها به عنوان ابزارهایی برای فشار سیاسی یا اقتصادی علیه کشورها رد می‌کند.^{۵۸} اتحادیه اروپا نیز با اجرای فرامرزی قوانین کشورهای ثالث که اقدامات محدودکننده‌ای را بر فعالیت‌های اشخاص حقیقی و حقوقی تحت صلاحیت کشورهای عضو اتحادیه اروپا تحمیل می‌کنند، مخالف است.^{۵۹}

یکی از واکنش‌های برخی کشورها به چنین اقداماتی، تصویب قوانین مسدودکننده داخلی است. قانون

54- International Court of Justice

۵۵- پرونده نیکاراگوئه، یکی از مهم‌ترین پرونده‌های حقوق بین‌الملل عمومی است که در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد. در این پرونده، دولت نیکاراگوئه ایالات متحده آمریکا را به دلیل حمایت از شورشیان کتر و نقض اصول حقوق بین‌الملل، به‌ویژه اصل عدم مداخله و عدم استفاده از زور، مورد شکایت قرار داد.

56- The Concept of the Foreign Policy of the Russian Federation. 2023. Para 26.

۵۷- اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها.

58- UN GA. A/RES/51/103. 1996.

59- EU Council: Guidelines on Implementation and Evaluation of Restrictive Measures (Sanctions) in the Framework of the EU Common Foreign and Security Policy. 5664/18. 2018.

مسدودکننده یا مقررات مشابه، یک اقدام قانونی داخلی است که هدف آن خنثی‌سازی دامنه غیرقانونی قوانین خارجی است که صلاحیت اجرایی دولت خارجی را فراتر از هر عنوان شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل گسترش می‌دهد. این قوانین شرکت‌ها، افراد یا مقامات داخلی را ملزم می‌کنند که قوانین و اقدامات اجرایی خارجی مبتنی بر آن‌ها را نادیده بگیرند (ونتورا، ۲۰۲۱، ۲۲۱).

قانون مسدودکننده اتحادیه اروپا^{۶۰} به‌عنوان یک اقدام متقابل در برابر تحریم‌های فرامرزی ایالات متحده آمریکا و سایر کشورها طراحی شد تا از آسیب به شرکت‌های اروپایی جلوگیری شود (ابدالین و کشنر، ۲۰۲۱، ۸۰). هدف اصلی این قانون، حمایت از شرکت‌های اتحادیه اروپا است که تحت قوانین این اتحادیه در تجارت بین‌المللی فعالیت می‌کنند اما ممکن است به دلیل نقض رژیم‌های تحریمی کشورهای ثالث با چالش مواجه شوند. از نظر سیاسی، این قانون برای نشان دادن مخالفت اتحادیه اروپا با رژیم‌های تحریمی طراحی شده است که این اتحادیه آن‌ها را غیرمنطقی و تحقیرآمیز می‌داند (پوتمکینا، ۲۰۱۸، ۲). علاوه بر این، قانون مسدودکننده اتحادیه اروپا به شرکت‌های اروپایی اجازه می‌دهد تا خسارات ناشی از اقدامات فرامرزی را جبران کنند.

با این حال، مشکلاتی در زمینه اجرای عملی این قانون وجود دارد. شرکت‌های اروپایی ممکن است در شرایطی قرار گیرند که مستقیماً با قوانین ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا در تضاد باشند. در سال ۲۰۲۱ میلادی، این قانون به‌عنوان یک «ببر کاغذی»^{۶۱} توصیف شد، زیرا کارایی آن محدود ارزیابی گردید (روییز، ۲۰۲۰، ۱۱۵). با این وجود، تصمیمات قضایی اخیر می‌تواند انگیزه‌ای برای بازنگری و بهبود اجرای این قانون فراهم کند. همچنین، نمونه‌های مشابهی از قوانین مسدودکننده در سایر کشورها نیز وجود دارد. چنین قوانینی^{۶۲}، به‌ویژه در مقابله با تحریم‌های فرامرزی ایالات متحده آمریکا، اغلب به دلیل اختیارات گسترده نهادهای اجرایی قانون ناکارآمد تلقی می‌شوند. این اختیارات می‌توانند منجر به تفسیرهای ناهماهنگ یا اجرای نامنظم شوند که در نهایت برای شرکت‌های داخلی زیان‌آور است. با این حال، در شرایط خاص، این قوانین ممکن است به کاهش برخی از اثرات منفی تحریم‌های یک‌جانبه کمک کنند (ونتورا، ۲۰۲۱، ۲۲۵).

این موضوع بر این اساس است که در زمان اعمال چنین قانونی، مسئولیت اصلی تصمیم‌گیری بر عهده

60- EC Regulation 2271/96, amended by EU Regulation 2018/1100, and 2018/1101.

61- paper tiger

۶۲- مانند قانون مسدودکننده اتحادیه اروپا.

شرکت‌ها یا افراد تحت تأثیر است. این نهادها باید انتخاب کنند که تبعیت از کدام یک از دو نظام حقوقی قانون مسدودکننده داخلی یا رژیم تحریمی خارجی از نظر اقتصادی برای آن‌ها سودمندتر است. در چنین شرایطی، تنها زمانی یکی از طرفین بر دیگری ارجحیت می‌یابد که مجازات‌های آن نظام حقوقی سنگین‌تر و قاطع‌تر باشد (روییز، ۲۰۲۰، ۹۹).

این مسئله در دیوان بین‌المللی دادگستری نیز مطرح شد. در این پرونده، وکلای ایران نشان دادند که به‌روزرسانی قانون مسدودکننده اتحادیه اروپا، پس از تمدید تحریم‌های فرامرزی ایالات متحده امریکا علیه ایران، مانع از اجرای این تحریم‌ها توسط اپراتورهای اروپایی نشد.^{۶۳} دیوان بین‌المللی دادگستری در دستور موقت خود تأکید کرد که اعمال تحریم‌های ایالات متحده امریکا توسط اپراتورهای خارجی می‌تواند به حقوق ایران آسیب جبران‌ناپذیری وارد کند و استفاده از اقدامات موقت برای تضمین صادرات بدون محدودیت کالاها و خدمات به ایران را توجیه کرد. در نتیجه، نهادهای دولتی ممکن است شرکت‌های داخلی را به دلیل نقض قوانین مسدودکننده مجازات کنند که این امر می‌تواند به کاهش فعالیت‌های اقتصادی و تجاری منجر شود. با این حال، چنین اقداماتی تأثیر مستقیم و قابل توجهی بر دلایل اصلی وضع قوانین مسدودکننده ندارند.^{۶۴}

قوانین مسدودکننده فعلی تلاش می‌کنند تا دادگاه‌ها و مراجع ملی را از به رسمیت شناختن یا اجرای تحریم‌های ثانویه بازدارند. با این وجود، این ممنوعیت اصولی مانع از اجرای تحریم‌های ثانویه توسط دادگاه‌ها یا نهادهای اجرایی ایالات متحده امریکا نمی‌شود. علاوه بر این، به رسمیت شناختن قضایی و صدور احکام اجرایی در شرایطی که مجری به‌صورت داوطلبانه تعهدات خود را برای کاهش ریسک‌های موجود در بازار ایالات متحده امریکا می‌پذیرد، ناکارآمد است. به‌طور کلی، احتمال این که دادگاه‌ها یا مقامات ایالات متحده امریکا از اعمال تحریم‌های ثانویه علیه مجریان خارجی صرف‌نظر کنند، بسیار پایین است (ونتورا، ۲۰۲۱، ۲۳۳).

یکی از منابع اصلی خسارات وارده به شرکت‌های داخلی در نتیجه تحریم‌های ثانویه، نهادهای اجرای قانون ایالات متحده امریکا هستند. این خسارات ناشی از کلی‌گویی مفاد قوانین مسدودکننده است که

63- ICJ: Alleged violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v United States of America). CR 2018/16. Verbatim record. 27 August 2018.

64- ICJ: Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America). Provisional Measures. Order. 3 October 2018. I.C.J. Reports 2018. P. 623.

امکان اعمال ابتدایی آن‌ها علیه شرکت‌ها را فراهم می‌کند. طرح دعوی برای جبران خسارات علیه این نهادها معادل آن است که ایالات متحده امریکا را مسئول اعمالی بداند که در چهارچوب اعمال اقتدار عمومی^{۶۵} انجام شده است (ونتورا، ۲۰۲۱، ۲۳۷). باین‌حال، موفقیت چنین دعاوی بعید به نظر می‌رسد. در این شرایط، سازوکار جبران خسارت تنها علیه افرادی اعمال می‌شود که اقداماتشان با اجرای قانون خارجی به شخص زیان‌دیده آسیب رسانده است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، این وضعیت به‌عنوان نتیجه انتخاب آزاد اقتصادی تلقی می‌شود، نه اجرای مستقیم قانون خارجی. بنابراین، قوانین مسدودکننده هنوز نتوانسته‌اند راه‌حلی مؤثر برای حمایت از شرکت‌های داخلی در برابر رژیم‌های تحریم فرامرزی خارجی ارائه دهند (ونتورا، ۲۰۲۱، ۲۳۸).

اصلی‌ترین چالش در اثربخشی قوانین مسدودکننده، نحوه اجرای آن‌ها توسط دادگاه‌های ملی است. به‌طور خاص، در چهارچوب قانون مسدودکننده اتحادیه اروپا، قضات می‌توانند دلایل متعددی برای نادیده گرفتن قابلیت اعمال این قوانین ارائه کنند. در نتیجه، جای تعجب نیست که برخی اپراتورها با میل خود از رژیم‌های تحریمی خارجی پیروی می‌کنند یا حتی بر اساس شرایط خاص، با نهادهای اجرایی ایالات متحده امریکا توافق می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های بارز قوانین مسدودکننده، ارزش حقوقی آن‌ها در حقوق بین‌الملل عمومی است. این قوانین بیانگر رویه دولت‌ها و موضعی علیه قاعده متعارف اجازه اجرای فرامرزی رژیم‌های تحریمی خارجی هستند. از این منظر، قوانین مسدودکننده نقش قابل‌توجهی در دعاوی بین‌المللی جاری یا آتی دارند و می‌توانند در ارجاعات احتمالی به نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری وزنه مهمی محسوب شوند. مسدود کردن تحریم‌های یک‌جانبه فرامرزی می‌تواند به‌عنوان نوعی اقدام متقابل متقارن در نظر گرفته شود. در این زمینه، قوانین مسدودکننده باید به‌صورت موقت، موجه و قانونی باشند و با هدف ترغیب به رعایت تعهدات، توقف اقدامات غیرقانونی بین‌المللی و جبران خسارات به دولت زیان‌دیده اعمال شوند. باین‌حال، ترکیب موضوعی اجرای چنین اقداماتی همچنان بحث‌برانگیز است؛ زیرا این قوانین نه مستقیماً علیه دولت هدف، بلکه علیه شهروندان و سازمان‌های وابسته به آن اعمال می‌شوند (کشنر، ۲۰۲۱، ۱۶۹).

نتیجه

تحریم‌های یک‌جانبه به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار اقتصادی و سیاسی در روابط بین‌المللی استفاده می‌شوند، اما مشروعیت آن‌ها از منظر حقوق بین‌الملل و تأثیرات گسترده آن‌ها بر حقوق بشر، اقتصاد و نظم جهانی موضوعی است که همواره مورد بحث و بررسی قرار دارد. سؤال اصلی این پژوهش این بود که تا چه اندازه تحریم‌های یک‌جانبه از نظر حقوقی مشروعیت دارند؟ و چه تفاوت‌هایی با تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد دارند؟ در این راستا، پژوهش به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های تحریم‌های یک‌جانبه و تحریم‌های بین‌المللی پرداخته و تأثیرات حقوقی، اقتصادی و اجتماعی این تحریم‌ها را تحلیل کرده است.

نتایج حاصله از پژوهش نشان می‌دهد که تحریم‌های یک‌جانبه در بسیاری از موارد مغایر با اصول حقوق بین‌الملل هستند و نه تنها منجر به نقض حقوق بشر می‌شوند، بلکه ممکن است موجب تضعیف سیستم حقوقی بین‌المللی و ایجاد اختلال در روابط اقتصادی جهانی گردند. این تحریم‌ها معمولاً از اهداف سیاسی و اقتصادی خاص پیروی می‌کنند که با اصول عدالت و حقوق بشر در تضاد است. علاوه بر این، قوانین مسدودکننده، هرچند به‌عنوان ابزاری برای مقابله با آثار منفی این تحریم‌ها معرفی شده‌اند، در بسیاری از موارد به‌دلیل مشکلات اجرایی و عدم هماهنگی بین‌المللی، کارایی محدودی دارند.

نوآوری این پژوهش در تأکید بر پیچیدگی‌های حقوقی و فرامرزی تحریم‌های یک‌جانبه و تحلیل تأثیر آن‌ها بر نظم حقوقی جهانی است. پژوهش همچنین به بررسی نواقص قوانین مسدودکننده در مقابله با این تحریم‌ها پرداخته و به‌طور خاص، بر لزوم بازنگری در قواعد حقوق بین‌الملل تأکید کرده است.

پیشنهاد

با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که کشورهای عضو سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی به تقویت مقررات و مکانیزم‌های نظارتی در مورد تحریم‌های یک‌جانبه توجه بیشتری داشته باشند. همچنین، برای مقابله با آثار منفی این تحریم‌ها، ایجاد هماهنگی بیشتر میان کشورهای تحریم‌کننده و توسعه قوانین مسدودکننده کارآمدتر، امری ضروری است. در نهایت، تقویت حقوق بشر و احترام به

اصول حقوق بین‌الملل باید در اولویت قرار گیرد تا از تبعات منفی تحریم‌ها بر جوامع انسانی و اقتصادی جلوگیری شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

انگلیسی

- Beaucillon, C., 2021, An introduction to unilateral and extraterritorial sanctions: definitions, state of practice and contemporary challenges. Research Handbook on Unilateral and Extraterritorial Sanctions. Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.
- Boklan, D., & Bahri, A., 2020, The First WTO's Ruling on National Security Exception: Balancing Interests or Opening Pandora's Box? World Trade Review, №19.
- Boklan, D., Absaliyev, V. V., & Kurnosov, Yu. S., 2018, Are Restrictive Measures and Countermeasures Justifiable by WTO Security Exceptions: Objective or Subjective Approach? Moscow Journal of International Law, №3.
- Choukroune, L., & Nedumpara, J., 2021, International Economic Law: Text, Cases and Materials. Cambridge: Cambridge University Press.
- Crawford, J., 2013, State Responsibility: The General Part. Cambridge Studies in International and Comparative Law. Cambridge: Cambridge University Press.
- Crawford, J., 2019, Brownlie's Principles of Public International Law (9th ed.). Oxford: Oxford University Press.
- Dasgupta, U., 2022, Unilateral Sanctions in International Law edited by Surya P Subedi. Asian Journal of International Law, №12 (2).
- Glandin, S., 2018, Extraterritoriality of US Sanctions in Action. International Justice, №2.
- Lindsay, P., 2003, The Ambiguity of GATT Article XXI: Subtle Success or Rampant Failure? Duke Law Journal, Vol. 52, No. 6.
- Schrijver, N., 2000, The Changing Nature of State Sovereignty. British Yearbook of International Law, No.
- Shaw, M., 2021, International Law (9th ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Smeets, M., 2021, Economic sanctions and the WTO. Research Handbook on Economic Sanctions. Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.
- Ruys, T., & Ryngaert, C., 2020, Secondary Sanctions: A Weapon out of Control? The International Legality of, and European Responses to, US Secondary Sanctions.

British Yearbook of International Law.

- Starshinova, O. S., 2019, Retaliation in the Dispute Settlement System of the World Trade Organisation. PhD thesis. Moscow.
- Ventura, D., 2021, Contemporary blocking statutes and regulations in the face of unilateral and extraterritorial sanctions. Research Handbook on Unilateral and Extraterritorial Sanctions. Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.

روسی

- Абдуллин А., Кешнер М., 2021, Применение ограничительных мер в контексте общей внешней политики ЕС: концептуальные подходы. Современная Европа, №7.
- Малеев Ю. Н., Рачков И. В., Ярышев С. Н., 2016, Санкции в международном праве: точка не поставлена. Московский журнал международного права, №2.
- Кешнер М., 2021, Вопросы легитимности ограничения контрмерами экстерриториальной юрисдикции государства. Журнал российского права, №3.
- Критский К. В., 2021, Санкции и односторонние ограничительные меры в современном международном праве. Диссертация. Казань. 226 с.
- Потемкина О., 2018, Блокирующий статут как инструмент суверенной торговой политики ЕС. Институт Европы, РАН. Аналитический доклад, №146, 7 с.

An Analysis of Key Changes in UCP 500 Compared to UCP 600

Homayoun Mafi, Sodabeh Asadian

Judicial Justice in Islamic Criminal Laws

Abolfath Khaleghi, Maryam Khalil Dokht

The Effects of the Pandemic on the Expansion of Terrorism

Mohsen Molaei Fard, Hadi Masoudi Far

Female Victimization Within the Family: Strategies and Foundations for Criminal Protection

Sayyed Alireza Mirkamali, Zahra Mahmoudi, Omid Zeynali

Challenges and Strategies for Implementing Hijab and Chastity

Mahmoud Habibi Tabar, Narges Zandi Aliabadi

Criticism of the Regulations of Article 3 of the Law on the Obligation to Officially Register Real Estate Transactions

Kousar Nazari, Ebrahim Yaghouti

A Comparative Study of the Principle of Good Faith in Iranian and French Law Based on the 2016 Reforms

akbar azimi

Recognition of the Right to the Environment in the Light of International Documents and Judicial Procedures

Mona Davanlou

Reflection on the Trend of Artificial Intelligence in Crime Prevention

Ali Najafi, Sayyed Mohsen Mousavi Far

Feasibility of Criminal and Legal Prosecution of Government Officials in Violation of Citizens' Right to Health

Abolhasan Jannati, Zainab Hashemi Baghi

A Comparative Critique and Analysis of the Nature of Smart Contracts in the Legal Systems of Iran and the United States of America

Amal Solimani, Maryam Eskandari

Comparative Analysis of the Crime of Aggressive Possession of Movable Property in Iranian and English Law:

Principles, Elements and Enforcement Guarantees

Amir Mohammad Mahrokh, Saeid Babaei

Peace Within Iran's Laws, a Comparative Analysis with Other Ways of Dispute Resolution

Mohammadbagher Parsa Pour, Azam Lotfi Neyestanek

Legal Effects and Consequences of Invoking the Rule of Necessity in International Law

Sayyed Mohammad Pedram Bathaei

Analysis of Crimes Related to Speculation Iranian and French Criminal Law

Vahid Kioumars

Comparative Study of Damage Caused by Damage in Iranian Law and International Sale of Goods Convention

Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani

A Comparative Analysis of Unilateral Sanctions and Security Council Sanctions: Legal Analysis and Extraterritorial Implications

Sayyed Foad Alavi, Ali Taghi Zadeh, Mohammad Javad Ghasabi Fard

Crimes and Accidents Arising from Work in Iranian and French Law

Sima Soudagar

The Legal Status of the Use of Chemical Weapons by Iraq Against Iran from the Perspective of International Law

Sara Farzadi Mehr, Mojtaba Nazif, Qasim Moghadamian, Esmaeil Amouri

Criminal Policy Alternatives to Imprisonment in Crimes of the United States Armed Forces

Amirhasan Abolhasani, Sayyed Yahya Alavi, Elham Zare

Contract for the Carriage of Goods in the Legal Systems of Iran and France

Mahshid Sadat Tabaei, Fahimeh Taherloo

Establishing Rules of Artificial Intelligence in Combating Money Laundering and Asset Recovery

Ali Moyed Ahmadi, Amirreza Mahmoudi

Ownership of Mars from the Perspective of the 1967 Outer Space Treaty: Legal Analysis of Conflicts and Solutions

Mahdi Gharedaqui

Analysis of the Iranian Legislator's Criminal Policy Against Terrorist Crimes: Challenges and Solutions

Mostafa Rezaei

Conflict of Principles Governing Urban Lands with Property Rights in the Iranian Legal System

Sayyed Mohammadbagher Haghighyeghi, Farzin Yazdan Panah, Hamidreza Konari Zhadeh

A Jurisprudential-Legal Analysis of the Non-Enforceability of the Wife's Right to Divorce Clause in Marriage Contracts

Vahid Parsaei Daadras

The Position of Contract Interpretation in the Iranian Legal System

Aslan Alizadeh, Esmaeil Hoseini

Implementing the Decisions of the Court of Arbitration for Sport at the National Level

Sepideh Ahmadian Fard

Compensation for Personal Loss in Quasi-Crimes and its Examples in Criminal Laws: A Legal and Judicial Review

Meysam Hasani Zadeh

A Jurisprudential and Legal Study of Artificial Insemination in Iran

Fatemeh Moezzi, Hanieh Akbari, Hadi Rousta